

بررسی عوامل تأثیرگذار بر خشونت خیابانی علیه زنان با استفاده از روش - شناسی مشارکتی معطوف به کنش - PAR¹

سمانه عابدینی *

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۰۶، تاریخ تأیید: ۹۴/۱۲/۲۴)

چکیده

مزامحت یا آزار خیابانی یکی از اشکال خشونت علیه زنان است که همه زنان را در سنین مختلف و در موقعیت‌های متفاوت تهدید می‌کند. به دیگر سخن، هرچند وجود این معضل، مدام در حال نادیده گرفته شدن یا انکار شدن است، اما قربانیان این خشونت‌ها شامل طیفی گسترده است؛ از کاهش اعتمادبه‌نفس گرفته تا کسانی که جانشان را از دست داده‌اند.

با مطالعه هرچه بیشتر این پدیده توسط دانشگاهیان، و پژوهشگران علوم اجتماعی، روانشناسی و قضایی می‌توان مسئله آزار خیابانی و دلایل تأثیرگذار بر وقوع آن را مورد بررسی قرارداد، در همین راستا گام‌های بعدی را که منتهی به کاستن و حذف این معضل اجتماعی خواهد شد، محکم‌تر برداشت.

روش‌شناسی این تحقیق مبتنی بر رهیافت‌های مشارکتی است. در این نوع روش‌شناسی، افرادی که تحقیق در مورد آن‌هاست، صرفاً اطلاع‌دهنده در نظر گرفته نمی‌شوند و گام‌به‌گام از تعریف مسئله، تدقیق آن، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن و در نهایت برداشتن گام‌هایی برای کاستن میزان آن مسئله یا آسیب‌حضور دارند.

روش‌شناسی‌های پژوهش مشارکتی معطوف به کنش (PAR) و پژوهش مشارکتی معطوف به کنش فمینیستی (FemPAR) از مجموعه روش‌شناسی‌های مورد استفاده در این تحقیق است که در محله هاشم‌آباد منطقه ۱۵ شهرداری تهران و با حضور زنان این محله اجرایی شده است.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد عواملی مانند عدم وجود قوانین حمایتی در رابطه با زنان خشونت دیده، مشکلات اقتصادی، اعتیاد، فضاهای نامناسب شهری و آموزش از جمله زمینه‌های تأثیرگذار بر پدیده آزار خیابانی هستند.

واژه‌های کلیدی: خشونت خیابانی علیه زنان، پژوهش معطوف به کنش، پژوهش معطوف به جنسیت، محله هاشم‌آباد.

مقدمه

زنان، نزدیک به نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند و حضور و نقش تأثیرگذارشان در عرصه خانواده و اجتماع آن‌قدر پررنگ است که به‌سختی قابل‌انکار است. اما آنان هنوز به مبارزه خود ادامه می‌دهند، چرا که این عرصه‌ها را همچنان نابرابر می‌یابند. باورهای سنتی‌ای که کارکرد زنان را در فرزندآوری، تربیت فرزندان و خانه‌داری می‌داند، خدشه‌دار شده و به همت خود زنان، حضورشان در اجتماع هرروز ضروری‌تر می‌نماید. در مقابل، تفکر سنتی همواره با تولیدات مختلف به‌اصطلاح فرهنگی، استفاده از ابزارهای دینی و تبلیغاتی سعی در مقابله با این نیاز انسانی دارد. در این راه موانعی چون خشونت که بر اساس تفکر نیروی غالب مردسالار شکل گرفته و عموماً اعمال می‌شود، به‌مثابه سدی عظیم رخ می‌نماید که اجتماع و عرصه اجتماعی را به فضایی ناامن برای زنان مبدل می‌سازد. این در حالی است که جدای از این آسیب، قربانیان این خشونت‌ها شامل طیفی گسترده

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی محقق با عنوان «مطالعه و بررسی عوامل تأثیرگذار بر خشونت خیابانی علیه زنان» است.

می‌شود؛ از کاهش اعتماد به نفس گرفته تا از دست دادن جان‌شان. تجربه خشونت در عرصه اجتماع به تجربه هرروزه همه‌ی زنان تبدیل شده است؛ به طوری که برآوردهای جهانی حاکی از آن است که میزان مرگ‌ومیر و ناتوانی حاصل از خشونت علیه زنان با مرگ‌ومیر و ناتوانی حاصل از سرطان برابر بوده و نیز از عوارض ناشی از سوانح رانندگی بیشتر است (فروغان، ۱۳۸۰: ۶). در واقع زنان نه تنها قربانی خشونت مردانند، بلکه ترس از رویارویی با این خشونت بر سراسر زندگی آنان به شدت سایه افکنده است (ابوت و والاس، ۱۳۷۸: ۲۳۰).

در این موقعیت پرداختن به این مسئله و روشن نمودن زوایای آشکار و پنهان آن توسط افراد ذی‌صلاح، می‌تواند اولین گام باشد برای کاستن از میزان آن، ضمن اینکه باعث می‌شود اذهان عمومی نسبت به آن حساس‌تر شده و گام‌هایی برای تغییر شرایط بردارند.

سازمان ملل در قطعنامه‌ی مربوط به حذف خشونت علیه زنان در اجلاس عمومی سال ۱۹۹۳ خشونت علیه زنان را این‌گونه تعریف کرده است: «هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جنسی، جسمی، روانی و رنج زنان شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار و سلب مطلق اختیار و آزادی به صورت آشکار یا پنهان انجام شود (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰: ۳۰). خشونت ممکن است در فضاهای خصوصی و یا عمومی رخ دهد (کار، ۱۳۸۷). یکی از اشکال تبعیض علیه زنان که می‌توان آن را به نوعی بخش درسایه قلمداد کرد، مزاحمت و آزار خیابانی علیه زنان است. این نوع خشونت، اگرچه در فضای وسیعی به گستره‌ی خیابان رخ می‌دهد، اما از این جهت که به ندرت مورد توجه قرار گرفته، آن را بخش درسایه می‌نامند. این بی‌توجهی تا آنجاست که در بسیاری از موارد از دید قضات، قانون‌گذاران و دانشگاہیان نیز پنهان مانده، ولی آسیب‌های آن ممکن است باعث راندن زنان از صحنه‌های اجتماعی شود یا حضور آنان را با مشکلات زیادی مواجه سازد.

این نوع از مزاحمت خیابانی^۲ که به «مزاحمت غریبه‌ها»^۳، «مزاحمت در عرصه عمومی»^۴ و «مزاحمت جنسی»^۵ معروف است و در این مقاله با نام آزار و یا مزاحمت خیابانی نام برده خواهد شد، زنان را در همه رده‌های سنی و در همه جوامع، درگیر کرده و آنان را از حضور مؤثر و فعال در جامعه باز می‌دارد و اعتماد به نفس آنان را مورد تهاجم قرار می‌دهد.

بومن^۶ (۱۹۹۳) در تعریف مزاحمت خیابانی می‌نویسد: «رفتارهای زیادی هستند که در حیطه‌ی مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند. مزاحمت جنسی غریبه‌ها شامل رفتارهای کلامی و غیرکلامی مثل سوت زدن، چشمک زدن، چشم‌چرانی، نیشگون گرفتن، لمس کردن بدن، هوکردن و اظهارات خیابانی می‌شوند». اظهارات خیابانی معمولاً ماهیت جنسی دارند و اظهارنظرهایی هستند درباره‌ی ظاهر فیزیکی زن و یا حضور او در اماکن عمومی. بنابراین در ماهیت این مقوله، نارضایتی و عدم تحمل از سوی جنس مخالف وجود دارد. از این منظر، آزار خیابانی، هر نوع تخیل جنسی است که در ملاءعام، خارج از خانه و در اماکن عمومی به مرحله بیان و عمل رسیده و موجبات اذیت روحی و روانی فرد بزه‌دیده را فراهم می‌کند (آقاجانی، ۱۳۸۱).

مفاهیم امنیت و خشونت دارای ماهیت چندبعدی هستند. این مفاهیم به مدد نظریه‌های گوناگونی که هر یک در قالب رویکرد متفاوتی قابل بحث است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. محققان می‌کوشند برای تحلیل یک معضل اجتماعی، به علت‌های اصلی و زمینه‌هایی که موجبات رخداد آن را فراهم می‌آورند، بپردازند. با توجه به اینکه در کدام پارادایم فکری به دنبال جواب هستیم، یا نگاهمان به کدام مکتب فکری مسلح است، از دلایل فردی و روان‌شناختی گرفته تا دلایل اجتماعی و فرهنگی، طیفی است که

-
2. Street Harassment
 3. Stranger Harassment
 4. Public Harassment
 5. Sexual Harassment
 6. Bowman, C. G.

ممکن است پاسخگوی سؤالات ما باشند. ابوت و والاس در همین باره این‌طور توضیح می‌دهند که: «گاه ممکن است برای توجیه رفتاری که برایمان کاملاً غیرقابل فهم است راه دیگری در پیش بگیریم و فرد مرتکب را بیمار روانی بدانیم، یعنی بگوییم دیوانه است و بنابراین مسئول عمل خود نیست. راه دیگر برای توضیح جرم و بزهکاری آن است که گفته شود این رفتار نتیجه شرایط اجتماعی محیط زندگی فرد مجرم یا ناشی از تجربه‌هایی است که از سر گذرانده است، در اینجا غالباً با دو دسته توجیه روبرو می‌شویم: گروهی گناه را به گردن نحوه تربیت فرد و خانواده می‌اندازند و گروه دیگر علت را «بد» بودن محیط اجتماعی پیرامون او می‌دانند» (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۰۸). تا سال‌ها قبل، حجم زیادی از تحقیقات با موضوع معضلات اجتماعی و بخصوص تحقیقات مربوط به خشونت علیه زنان انتشار می‌یافتند که تحلیل‌شان درباره این پدیده‌ها، کاملاً منطبق با برخورد با پدیده‌های طبیعی بود. در واقع به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که راه‌حل نه‌چندان پیچیده‌ای برای توجیه و توضیح انواع مختلف جرائم، از جمله خشونت علیه زنان در پیش گرفته می‌شود که همچون شیوه‌های اثباتی است که برای توجیه پدیده‌های طبیعی کاربرد دارند. به این منظور نظریاتی پدید آمدند که به نقل از ابوت و والاس پدیده‌ها را نه‌فقط از دیدگاه قدرتمندان جامعه، بلکه از دیدگاه ضعیفان نگریستند (همان، ۲۰۹). لازم به ذکر است که به علت ماهیت مشارکتی تحقیق، محقق با رویکرد نظری خاص و از پیش تعیین شده‌ای به بررسی پدیده موردنظر نپرداخته است، بلکه با تکیه بر روش کیفی- مشارکتی، سعی بر پاسخگویی به سؤالات تحقیق و همچنین درک و انعکاس تجربه زیسته زنان دارد.

مروری بر پیشینه تجربی و نظری تحقیق

پس از آغاز موج دوم فمینیسم در غرب (۱۹۷۰) بود که پژوهش در حوزه زنان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت و مطالعات در زمینه‌هایی که قبلاً کسی در مورد آن‌ها سخن نگفته بود، یا کمتر بدان توجه شده بود، آغاز شد. در ایران اما با تأخیری در حدود دو دهه، در دهه ۱۳۷۰، به مسائل حوزه زنان توجه بیشتری شد که البته خشونت علیه زنان نیز از جمله همین موارد بود. با بررسی مفهوم مزاحمت و آزار خیابانی، چیزی که آشکار و هویداست، کم بودن تعداد تحقیقات در این زمینه است. تلاش‌هایی در سال‌های اخیر شروع شده که البته سهم تحقیقات داخلی از آن بسیار ناچیز است. جدولی از تحقیقات مرتبط، که پیش از انجام این تحقیق با دو عنوان پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های داخلی، پژوهش‌ها و مقالات سایر کشورها تهیه و مورد مطالعه قرار گرفته، ارائه می‌شود:

۱. پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های داخلی

ردیف	نام تحقیق	نام محقق / متولیان	زمان
۱	زنان و امنیت شهری	هما زنجانی زاده و شهلا اعزازی	۱۳۸۱
۲	مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف	ذکائی	۱۳۸۴
۳	نگرش دختران جوان به امنیت اجتماعی- روانی	محمدی	۱۳۸۴
۴	جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای شهری	آتوسا مدیری	۱۳۸۵
۵	زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن.	علیرضا نژاد و سرایی	۱۳۸۶
۶	امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکت آنان در بخش مرکزی شهر تهران	بمانیان و دیگران	۱۳۸۷
۷	احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره	یوسف اباذری و دیگران	۱۳۸۷

ردیف	نام تحقیق	نام محقق / متولیان	زمان
۸	ارزش‌های پدرسالاری و خشونت علیه زنان	یزدخواستی و شیری	۱۳۸۷
۹	رابطه بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز	لهسایی زاده و یوسفی نژاد	۱۳۸۹
۱۰	تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان	ساعی و نیک نژاد	۱۳۸۹
۱۱	بررسی علل و عوامل مؤثر بر خشونت علیه زنان در فضای خصوصی و عمومی شهرستان ارومیه	زهره همت زاده	۱۳۸۹
۱۲	تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان	مجید حیدری چروده	۱۳۸۹
۱۳	زنان، مزاحمت و واکنش؛ بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آنها	محمدتقی ایمان و دیگران	۱۳۹۰
۱۴	بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت نمادین پسران علیه دختران با تکیه بر مزاحمت‌های خیابانی	فاطمه ثمودی پيله رود	۱۳۹۲

۲. پژوهش‌ها و مقالات سایر کشورها

بسیاری از نمونه‌های مورد بررسی در این بخش، در سطح ملی و یا کلان انجام گرفته‌اند و شیوه انجام تحقیق در بیشتر موارد ترکیبی از روش‌شناسی‌های کمی و کیفی و مشارکتی بوده است.

ردیف	نام تحقیق	نام محقق / متولیان	زمان
۱	شهر امنِ فارغ از اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان	دپارتمان توسعه زنان و کودکان، دولت محلی دهلی JAGORI , UNIFEM و برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد	۲۰۱۰
۲	درک امنیت زنان: به‌سوی شهرهای جنسیت شمول	-UNIFEM -UNTF -JAGORI WICI	۲۰۰۹-۲۰۰۱
۳	سومین کنفرانس بین‌المللی امنیت زنان: ساختن شهرهای فراگیر		۲۰۱۰
۴	گشت‌وگذاری در پارک: ادراکات جنسی از ترس در پارک «آز» شیکاگو	بامز	۲۰۰۶
۵	خشونت شهری و ناامنی: یک نقشه راه مقدماتی	کارولین ا.ان. موزر	۲۰۰۴
۶	مزاحمت خیابانی و گتوسازی (gettoization) غیررسمی زنان	بومن	۱۹۹۳
۷	مزاحمت هرروزه افراد غریبه و ابزاری شدن زنان	فرچایلد و رودمن	۲۰۰۸
۸	مزاحمت جنسی در محیط‌های شهری چین	پاریش و همکاران	۲۰۰۶
۹	آزار خیابانی: زبان هراس افکنی جنسی	کیسلینگ	۱۹۹۱

روش‌شناسی پژوهش

هنگامی که اطلاعات اندکی درباره‌ی موضوع معینی وجود دارد، عموماً پژوهش‌های کیفی توصیه می‌شود، زیرا هدف از آن بررسی‌ها در وهله‌ی نخست، بیش از آنکه توضیح پدیده‌ای باشد، توصیف یا حتی کشف پدیده است. همچنین می‌توان احتمال داد که اصولاً به‌کارگیری پیمایش در باره‌ی پدیده‌ای که شناختی از آن وجود ندارد، و نیز استفاده از نظریه‌های «مردساخته» و در نظر گرفتن متغیرهایی که بر اساس تجارب زنان از واقعه خشونت شکل نگرفته، در این نوع پژوهش به پاسخی اقناع‌کننده نخواهد رسید، بلکه فقط ردیفی از عوامل متعدد را که می‌توانند در خشونت دخالت داشته باشند ارائه خواهد داد (اعزازی، ۱۳۸۳).

جامعه‌شناسان فمینیست اغلب معتقد هستند در تحقیقات در مورد زنان بهتر است از روش‌های کیفی استفاده شود تا زنان مورد پژوهش امکان «شنیده شدن» بیابند و امکان نگرش و درک جهان از جایگاه افراد مورد پژوهش فراهم شود (ابوت و والاس، ۱۳۸۷: ۲۸۰). در واقع وقتی این پدیده اشاره به معضلی دارد که زنان درگیر آن هستند، ضرورت استفاده از آنها چند برابر می‌شود. به خصوص با توجه به این امر که عموماً زنان در طرح‌های تحقیقاتی جایگاه مهمی نداشته‌اند و در مواردی هم که زنان در تحقیق منظور شده‌اند، نقش آنها در حاشیه و از چشم‌انداز مردان دیده شده است. افزون بر این، غالباً مردان را معیار می‌گیرند و زنان هرگاه با این معیار تطبیق نکنند، غیرعادی قلمداد می‌شوند (همان، ۱۳۸۷: ۲۷۸).

در چند دهه‌ی اخیر، و بر پایه‌ی نظریه‌ی انتقادی، ابتدا در عرصه‌ی آموزش و نیز بهداشت، روش‌شناسی‌های پژوهشی نوینی شکل گرفت که به مرور با افزایش کاربست این رویکردها و چارچوب‌ها، کار آیی و فایده‌ی آنها نیز، به‌ویژه در عرصه‌ی توسعه اجتماعی، محک خورد و هر چه بیشتر بر ابعاد عملی آن افزوده شد تا جایی که یک روش‌شناسی، زیر عنوان «پژوهش مشارکتی معطوف به کنش/عمل»، (Participatory Action Research- PAR) میان پژوهش‌گران و تسهیلگران اجتماعی مقبولیت یافته و به‌کارگیری آن در عرصه‌های گوناگون گسترش یافت.

۱. معرفی روش‌شناسی‌های مورداستفاده در این تحقیق

این تحقیق ملهم است از روش‌شناسی پژوهش مشارکتی معطوف به کنش/عمل (PAR) و نیز روش‌شناسی دیگری که به دلیل انتقاداتی که فمینیست‌ها به روش‌شناسی قبل وارد آوردند از آن به نام (Feminist Participatory Action Research- FemPAR) یاد می‌شود.

این انتقادات متکی بر این نکته بودند که علیرغم آرمان طرح‌شده توسط پژوهشگران مشارکتی، زنان با این فرض اولیه که بخشی از «مردم»، «جامعه» یا «ستم‌دیدگان» هستند، به‌صورت خودکار در این تحقیقات نادیده گرفته شدند. در روش‌های مشارکتی هم مانند روش‌های سنتی پژوهش، زنان از فرآیند تحقیق کنار گذاشته می‌شدند. شیوه‌های نگرش زنان به مسائل تا ۱۹۸۱ مطرح نشده بود. مایر^۷ عقیده دارد که سکوت درباره مقوله جنسیت و زنان در PR نوعی «فیلتر مردم‌محور» است. در آغاز فمینیست‌ها روی تدوین یک روش واحد و ثابت پژوهش فمینیستی اختلاف نظر داشتند. از سوی دیگر ممکن بود فمینیست‌ها با مشارکت در دیگر روش‌ها موجب بازتولید روابط قدرت شوند؛ بنابراین ضرورت تدوین یک روش مجزا حس شد (Reid, 2004: 3).

به همین منظور در این تحقیق در کنار روش PAR، از روش FemPAR نیز استفاده شده است. به‌طورکلی رئوس این روش‌ها را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

۱.۱. پژوهش مشارکتی معطوف به کنش (PAR)

یک روش‌شناسی پژوهشی است که پژوهش‌گران و اعضای جامعه^۸ را گرد هم می‌آورد تا بتوانند در راستای تشخیص مشکلات پیش روی افراد آن جامعه، توانمندساختن اعضای آن برای پژوهش و یافتن راه‌حلهایی برای آن مشکلات و بهبود شرایط در جامعه، با هم کار کنند. در واقع PAR به دنبال تغییر در جهان است، به‌وسیله درک آن و مشکلات آن به‌وسیله کسانی که در آن زیست می‌کنند.

فران باوم (Fran Baum & others, 2006: 6) تفاوت اصلی PAR را با پژوهش‌های متداول به سه دسته کلی تقسیم می‌کند:

۱- اول اینکه تأکید این روش بر عمل است؛ یعنی تمرکز آن بر تحقیقی است که به عمل منتج خواهد شد. این عمل تغییری در وضعیت موجود که عموماً ناخوشایند است، به وجود می‌آورد. همچنین این عمل در یک چرخه رفت و برگشتی بین شرکت‌کنندگان و محقق به دست می‌آید و بر داده‌هایی متکی است که از طریق مشارکت‌کنندگان به دست آمده است.

۲- تأکید PAR بر روابط قدرت است. قدرت به‌صورت آگاهانه بین محقق و تحقیق‌شونده‌ها تقسیم می‌شود و خط فرضی بین آنها را معشوش و مکدر می‌سازد تا زمانی که عملاً مشارکت‌کننده‌ها به محقق تبدیل شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌کوشند، و در واقع همین امر، این روش را از روش‌های پوزیتیویستی^۹ متفاوت می‌کند. چون در این روش‌ها فرض بر این است که تنها یک واقعیت، آن هم در یک جای مشخص قرار دارد که فقط محقق می‌تواند از طریق روش‌های آکادمیک مشخص و آزمایشگاهی و هنگامی که کلیه متغیرها قابلیت کنترل و حتی دست‌کاری شدن را دارند، آن را بیابد. در مقابل آن، پارادایم جدید فرض را بر این می‌گذارد که مشاهده‌گر بر پدیده مورد مشاهده خود تأثیر می‌گذارد و در پرسشنامه خود مواردی را می‌گنجانند که بر آن پدیده اعمال نفوذ می‌کند.

۱- این روش با رویکردهایی که پویایی کمتری دارند در تضاد است. چون معتقد است آن رویکردها داده‌ها و اطلاعات را از متن و هم‌بافت^{۱۰} اصلی خود جدا می‌کنند. اما این روش‌شناسی معتقد است تحقیق‌شونده‌ها باید به‌طور فعال در طول فرآیند، از ابتدا تا انتها درگیر شوند تا اینکه فقط به‌عنوان سوژه تحقیق و یا پاسخ‌دهنده‌ها به پرسش‌های محقق باشند.

۲.۱. پژوهش مشارکتی معطوف به عمل فمینیستی (FemPAR)

این شیوه، شکل دیگری از پژوهش عملی مشارکتی است که چارچوب پژوهش عملی مشارکتی را برمی‌گزیند، ولی تأکید ویژه‌ای بر بازتابندگی از سوی پژوهش‌گران و مشارکت کامل اعضای جامعه دارد (Wendy et al, 2005:368)

در واقع FAR به‌عنوان یک چارچوب مفهومی و روش‌شناختی، شکل‌دهنده یک درک انتقادی از کارها و چشم‌اندازهای مختلف زنان است که طی مراحل پیش مطالعه، مشارکت، عمل و تغییر اجتماعی پیش می‌رود. FAR روشی است برای نگاه کردن به دنیا و تفکر درباره پژوهش و مشارکت‌کننده‌ها در آن. این روش فرآیند ساخت دانش برای تغییر زندگی زنان (به‌صورت فردی و جمعی) را تسهیل می‌کند و در عین حال مفهوم «قدرت» را بازسازی می‌کند تا در شکل مسئولانه‌ای مورد استفاده قرار بگیرد (Reid, 2004: 15). پژوهش معطوف به عمل فمینیستی (FemPAR) تأکید می‌ورزد که باید در هر پژوهش اجتماعی آن دسته از ارزش‌های فرهنگی و پویایی قدرت را که در تبعیض بر ضد زنان و دختران سهم دارد، بشناسیم. به این معنا که از جایگاه زنان و

دختران آن محله یا روستا یا گروه اجتماعی به موضوع‌های مورد نظر بنگریم و با هدف بهبود شرایط زنان و دختران دست به اقدام بزنیم.

با توجه به تأکید این پژوهش بر شاخص جنسیت، بهتر بود گروه هدف، ترکیبی از زنان یا مردان بوده و یا اینکه حداقل در ابتدا به صورت دو گروه موازی مردان و زنان کار تعریف شود. اما با توجه به مسائل فرهنگی و همچنین معیشتی، جلب حمایت مردان در این نوع تحقیقات داوطلبانه و مشارکتی، نیاز به حضور مداوم و یا حتی کامل تیم تسهیلگر در محله، برای جلب اعتماد و همچنین تطبیق ساعات جلسات با فارغ شدن مردان از کار دارد. امری که برای این تحقیق با محدودیت زمانی امکان‌پذیر نبود.

توصیف محل اجرای پروژه

یافته‌های پیمایشی که در سال ۱۳۸۷ در سطح منطقه ۱۵ انجام شد، حاکی از آن است که «آزار خیابانی زنان و دختران» یکی از آسیب‌های اجتماعی دارای اولویت در منطقه ۱۵ محسوب می‌شود. به طوری که حدود ۳۰ درصد شهروندان مورد پرسش در این تحقیق اظهار داشتند به میزان زیادی با آزار خیابانی زنان و دختران در منطقه مواجه بوده‌اند (لقمانی، ۱۳۸۷: ۲۸).

بررسی‌های اولیه‌ای شامل مطالعه اسنادی، مشاهده اولیه میدانی از منطقه، تهیه چک‌لیست‌ها و همچنین گفتگوهای نیمه ساختاری با مردم در مکان‌های عمومی انجام شد که همگی نشان‌دهنده وجود عوامل متعددی در بروز ناامنی برای زنان در زندگی خانوادگی و شهری در سطح محلات منطقه ۱۵ است.

طبق اطلاعات به دست آمده از ارزیابی اولیه انجام شده، شدت این مسائل و مشکلات در برخی محلات منطقه نسبت به دیگر محلات بیشتر بود. به طور خاص می‌توان به محلاتی همچون قیام‌دشت، هاشم‌آباد، رضویه، مطهری و کیانشهر اشاره کرد، که با توجه به محدودیت زمانی و دسترسی مناسب‌تر محقق، محله هاشم‌آباد برای انجام این تحقیق انتخاب شد.

محله هاشم‌آباد که در منطقه ۱۵ شهرداری تهران و ناحیه ۲ قرار دارد با مساحتی در حدود ۸۹.۱ هکتار، از شمال به بزرگراه خاوران، از جنوب به بزرگراه بعثت، از شرق به میدان بسیج و از غرب به خیابان بنی‌هاشم منتهی می‌شود. لره‌های ملایر، عرب‌های بیرجند و ترک‌های بستان‌آباد را می‌توان اولین اقوامی دانست که در این محله ساکن شدند. این محله از قریه‌های قدیمی شهر تهران است. در کتاب گزیده تاریخ تهران آمده «این قریه در مشرق تهران است که به شهر تهران متصل شده است» (جوهری، ۱۳۹۱).

یافته‌های پژوهش

جلب حمایت جامعه محلی برای برگزاری کارگاه‌ها

گفتگوهای نیمه ساختاری با مردم این مکان را می‌دهد که علاوه بر شناخت زوایای مختلف آسیب، مکان‌های تجمع جامعه محلی - و در این تحقیق زنان - شناسایی شوند؛ مکان‌هایی که زنان ساعت‌های طولانی را در آن می‌گذرانند و همچنین فضای آن مکان برگزاری کارگاه‌های مشارکتی را به محقق می‌دهد. جلسات اولیه کار از طریق انجام پروژه‌های مربوط به امور بانوان منطقه ۱۵ شهرداری تهران در یکی از مساجد پرتدد این محله برگزار شد.

برگزاری جلسات کارگاهی

داده‌های مرتبط با این تحقیق مربوط به انجام پروژه‌های امور بانوان شهرداری منطقه ۱۵^{۱۱}، برخی کارگاه‌های داوطلبانه در منطقه و همچنین برگزاری کارگاه‌های مرتبط با موضوع در محدوده زمانی حدود ۹ ماه در سال ۹۳ است که برخی بخش‌های آن برگرفته از یک کارگاه و برخی از داده‌ها و مباحث- به‌طور مثال مربوط به نقشه خشونت و درخت مشکلات- ترکیبی از کارگاه‌های مختلف است و در همه آنها محقق به‌عنوان تسهیلگر اصلی به تنهایی یا به کمک تسهیلگران دیگر حضور داشته است. همچنین در این مقاله، جاهایی که نیاز به نقل قول مستقیم فرد مشخصی باشد، از عبارت اختصاری مشارکت‌کننده. عدد در لیست اسامی (م. ۱) استفاده شده و در جاهایی که افراد مختلفی در حین بحث‌ها به یک موضوع اشاره نمودند، از عنوان کلی «یکی از مشارکت‌کنندگان» استفاده شده است.

آشنایی اولیه و نیازسنجی: جلسات اولیه بیشتر برای آشنایی اولیه برگزار می‌شوند. ابتدا، شخص رابط که مورد اعتماد همه بانوان محله بود به معرفی این سلسله جلسات پرداخت و چون در بین جمع افرادی بودند که تسهیلگر قبلاً در کارگاه‌های دیگر با آنها آشنایی داشت، این ارتباط سریع‌تر برقرار گردید جلسه با این سؤال پی گرفته شد که مشکلات محله ما چیست؟ افراد به‌صورت بارش افکار به بیان نظریات خود پرداختند. پس از جمع‌بندی اولیه عناوین مطرح‌شده از این قرار بودند:

- خرید و فروش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی.
- مسائل و مشکلات اقتصادی
- ناامنی فضا برای زنان و خشونت در خیابان‌ها علیه زنان
- دختران فراری
- زدو خورد جوانان و مردان محلات
- روسپی‌گری و دختران فراری.

سپس با توجه به اهمیت این مسئله که می‌بایست موضوع تحقیق منطبق بر نیازهای مردم محلی باشد، از آنان خواسته شد طبقه‌بندی فوق را با توجه به اهمیت آن انجام دهند و موضوعی را انتخاب کنند که تمایل به بررسی آن و اقدام در جهت کاهش آن دارند.

این انتخاب با استفاده از تکنیک باردهی صورت گرفت. به این شکل که به هر شخص تعداد ۱۰ عدد نخود داده شد و از آنان خواسته شد که آنها را با توجه به میزان اهمیتشان بین موارد آسیب‌ها توزیع نمایند. البته این فرایند هم‌زمان با بحث‌های گروهی صورت گرفت و افراد به بیان دلایل انتخاب موضوعات پرداختند. نتیجه انتخاب افراد بین دو مورد اعتیاد و خشونت علیه زنان برابر بود که در نهایت موضوع خشونت برای کار گروهی انتخاب شد.

خوانش گروهی سناریو: هدف از برگزاری این جلسه بیشتر یکی کردن تعریف‌ها و اصطلاحات مورد استفاده توسط محقق و مردم محلی و همچنین شناخت ابعاد مختلف این مسئله در محله بود.

سناریویی از یکی از پرونده‌های واقعی خشونت، که از قبل تهیه شده بود، در اختیار مخاطبان قرار گرفت. این سناریو داستان زندگی راحله دختر ۱۸ ساله‌ای بود که متحمل انواع متفاوت خشونت شده بود. شرکت‌کننده‌ها در گروه‌های مختلف به خوانش سناریوها پرداختند. از هر گروه خواسته شد که به سؤال چند قسمتی که در انتهای هر سناریو بود، پاسخ دهند: «در این داستان چه

۱۱. مدیریت این پروژه با آقای کاوه مظفری و خانم جلوه جواهری بوده و در تیم تسهیلگری این محله علاوه بر محقق، خانم دلارام علی نیز حضور داشتند. در واقع این کار حاصل فعالیت این تیم ۴ نفره است.

نوع آزارهایی، توسط چه کسانی، بر چه کسانی، در چه مکان‌ها و محیط‌هایی و برای چه رخ داده است؟». بعد از اتمام کار گروهی، با اشاره به توضیحاتی که گروه‌ها ارائه دادند، تعریفی از خشونت علیه زنان، انواع و سطوح آن و محیط‌هایی که در آن اعمال می‌شود، بیان شد و همه حاضران درباره‌ی آن توافق کردند. در جدول زیر، جمع‌بندی نظرات گروه‌ها در مورد سناریوی «راحله» آمده است.

نوع آزار	آزاردیدگان	آزاردهندگان	محیط و مکان	علت
انواع آزار در خانواده (روانی، جسمی، جنسی، مالی و ایجاد محدودیت و محرومیت) آزار خیابانی عدم حمایت و پشتیبانی قانون	زنان و تعدادی از مردان	مسئولان کارگزینی و کارفرما همسر، پدر، برادر، خانواده همسر	خانوادگی اجتماعی (بیمارستان و نیروی انتظامی و نهادهای مجری و حامی، روستا، خیابان) محیط کار	فقر رسوم و سنت‌های غلط قانون و رویه‌های غلط قانونی اعتیاد عدم پایبندی به عهد و پیمان عدم وجود عشق در زندگی

بعد از جمع‌بندی صحبت‌های انجام‌شده و بیان برخی تجربه‌های شخصی شرکت‌کننده‌ها قرار شد در جلسه بعدی بیشتر به صحبت حول علل رخداد این خشونت‌ها پرداخته شود.

نقشه خشونت محله هاشم‌آباد: در جلسات بعدی پس از اضافه شدن افراد جدید با دعوت خود شرکت‌کننده‌ها در محله، ابتدا به‌مرور تفصیلی مباحث جلسات گذشته پرداخته شد و سپس نظرات آنها دسته‌بندی و تکمیل شد.

سطح خطرپذیری زنان	مصادیق
خشونت در سطح اجتماعی	آزار خیابانی (شامل دنبال کردن، متلک‌پرانی، آزار جنسی، زدو خورد و ...)، آدم‌ربایی (دزدیدن دختر بچه‌ها و ...)، تجاوز، ناامنی (کارتن‌خواب‌ها، دزدی، وجود گاراژها، تاریکی، کیف‌قاپی، خلوتی و ...)، اسیدپاشی، خریدوفروش دختران و قاچاق زنان
خشونت در محیط کار و اقتصادی	محل‌های ناامن کاری برای زنان، آزار جنسی در محیط کار، استثماری (کار زیاد دستمزد پایین)، عدم امنیت شغلی
خشونت در سطح خانگی - خانوادگی	تجاوز به دختر بچه‌ها، تجاوز به محارم، همسرآزاری (جسمی، جنسی، روانی و مالی)، خشونت پسران و مردان خانواده بر دختران و زنان خانواده، محرومیت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی شامل منع تحصیل، ازدواج اجباری، ازدواج در سن پایین، دست‌درازی در اموال، خرجی ندادن، عدم توجه و غفلت، دخترکشی، حبس خانگی، سوءاستفاده جنسی از زنان و دختران
پیامدهای برآمده از خشونت	قتل، همسرکشی، خودکشی و خودسوزی، تن‌فروشی، فرار دختران و ...

بحث با این عنوان که می‌خواهیم نقشه و یا کروکی محله را بکشیم ادامه یافت. برخی دختران جوان‌تر به وجد آمدند و فوراً به سمت مازیک و کاغذ رفتند، برخی هم شروع کردند به طرح این مبحث که خیلی محله را نمی‌شناسند و خانه‌دار هستند، پس کمک زیادی نمی‌توانند بکنند. از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد به گروه‌های ۷ تا ۸ نفره تقسیم شوند و به‌صورت دایره‌وار دور هم بنشینند. به هر گروه کاغذی در ابعاد ۲A داده شد و تسهیلمان هم به گروه‌ها پیوستند. از آنها خواسته شد خیابان یا مکانی را که در هاشم‌آباد برای کل گروه اهمیت دارد، در مرکز کاغذ رسم کنند. مثلاً در ابتدا تسهیلمان یک دایره در صفحه کشید و پرسید اگر اینجا همین مسجد باشد، خانه شما کجاست؟ یکی از افراد طرح یک خانه کوچک را در قسمت شمالی نقشه کشید و گفت این خانه من است و بعد یکی دیگر، این هم خانه خواهرم است، به این ترتیب بقیه هم شروع کردند که این کوچه ماست، این مدرسه پسر است، این کارگاه مکانیکی شوهرم است و...

پس از گذشت مدت زمانی که رسم نقشه در حال انجام بود، شور و هیجان زیادی همه را فراگرفته بود و حین رسم نقشه به بیان خاطرات خود از محله هم می‌پرداختند. پس از پایان یافتن رسم نقشه از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد بار دیگر با کمک هم مصادیق مطرح‌شده که آن‌ها به‌عنوان خطرات و ناامنی برای زنان در محله می‌شناسند، با علامت‌هایی که هر گروه به دلخواه مشخص می‌کند، بر روی نقشه علامت‌گذاری کنند. از آنها خواسته شد تا راهنمای نقشه خود را نیز در گوشه‌ای از نقشه بیاورند تا معنای علامت‌ها مشخص شود.

پس از اتمام علامت‌گذاری روی نقشه، نماینده‌ای از هرکدام از گروه‌ها به تشریح نقشه مکان‌های پرخطر برای زنان در محله هاشم‌آباد پرداخت که با نظرات گروه‌های دیگر، تکمیل شد.

از جمله مواردی که شرکت‌کننده‌ها به‌کرات در نقشه خشونت، در خیابان‌های مختلف محله هاشم‌آباد به آن اشاره نمودند، کیف‌قاپی، تعقیب، متلک‌پرانی، کارتن‌خوابی، حضور معتادان تزیینی و... بود. تاریکی برخی از خیابان‌ها هم باعث شده بود که زنان آن نقاط را به عنوان مکان‌های ناامن شناسایی کنند. بیشترین آزار جنسی و ناامنی در پارک زنبق، خیابان هاشم‌آباد و خیابان خاوران علامت‌گذاری شد. پارک زنبق، مکانی بود که زنان از آن سابقه تجاوز و یا قتل داشتند و عنوان می‌کردند که به‌هیچ‌عنوان خودشان یا فرزندانشان به‌تنهایی به این پارک نمی‌روند و این پارک را به دلیل حضور و تجمع معتادان مناسب برای حضور خانواده‌ها نیز نمی‌دانستند.

تقریباً همه پل‌های عابر پیاده‌ای که به خاطر می‌آورند برایشان یادآور خاطره خشونت خیابانی‌ای همچون متلک و دنبال کردن بود و پارک‌های محله را مکان‌های ناامن محله که برای تجمع معتادان مناسب است، در نظر می‌گرفتند. می‌گفتند وجود کارگاه‌های زیاد در محله باعث شده فضا بسیار مردانه شده و زنان از تردد در این مناطق اجتناب ورزند.

ترسیم درخت مشکلات:

ابتدا لیستی از همه مواردی که آنها در نقشه‌های محله به‌عنوان مسائلی که باعث احساس ناامنی‌شان می‌شود تهیه شد. افراد به گروه‌های ۵-۶ نفره تقسیم شدند و از آن‌ها خواسته شد که با استفاده از تکنیک درخت مشکلات، مواردی را که به نظرشان به‌عنوان دلایل اصلی بوجودآورنده این آسیب‌ها مطرح است، بیابند. به این صورت که نوع آسیب که خشونت خیابانی علیه زنان است را در تنه درخت رسم کنند و در ریشه درخت به ذکر دلایلی که باعث به وجود آمدن ثمره‌های این آسیب در اجتماع می‌شود بپردازند.

نکته مهم در این فرایند این است که تسهیلمان کمک کند تا شرکت‌کننده‌ها فقط دلایل خیلی کلی مانند بی‌دینی را ذکر نکنند.

بلکه افراد پس از ذکر هر مورد باید از خود بپرسند چرا؟ چرا بی‌دینی باعث بروز خشونت علیه زنان می‌شود؟

موضوع اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر در محله از جمله مواردی بود که گروه‌ها بدون بحث خاصی جزء اولین موارد، آن را در ریشه درخت خود قرار دادند. حول آن اتفاق نظر وجود داشت و فقط بحث‌ها حول ردوبدل کردن خاطره‌ها و تجربیات شخصی بود.

بحث نوع پوشش زنان در چند گروه به‌عنوان عاملی برای بروز خشونت خیابانی مطرح گردید و برای پاسخگویی به سؤال چرا؟ شرکت‌کننده‌ها به ارائه نظرات خود پرداختند. برخی معتقد بودند «اگر زن‌ها لباس‌های شهوت‌برانگیز و رنگ روشن نپوشند خیلی مزاحمت‌ها کم می‌شود». ولی در مقابل عده‌ای معتقد بودند که چادری هستند ولی هنوز در معرض خیلی از این متلک‌ها هستند و هنوز در بعضی خیابان‌ها مورد تعقیب مردان قرار می‌گیرند. بحث حول این موضوع به‌صورت گسترده‌ای ادامه یافت و در نهایت با تبصره‌ای موافقت شد که آن را در قسمت‌های کم‌اهمیت ریشه بگذارند با این استدلال که «پوشش ساده در حفظ امنیت بانوان تأثیر دارد ولی لزوماً زنان را از خشونت خیابانی مصون نمی‌سازد».

مسئله دیگری که بسیار مورد بحث قرار گرفت بحث ساعت رفت و آمد زنان بود. برخی از آنان بر این عقیده بودند که زنان نباید عصر، شب یا صبح زود از خانه خارج شوند تا مورد تعرض قرار گیرند و اگر بگیرند تقصیر خودشان است. ولی در بین جمع خانم‌هایی بودند که به کار در کارگاه و یا پرستاری از سالمند مشغول بودند و عنوان می‌کردند نمی‌توانند زودتر از ۵ و ۶ عصر به خانه برگردند. دانشجویان جمع نیز می‌گفتند برخی کلاس‌های شان صبح زود تشکیل می‌شود و آنان باید آن موقع از خانه خارج شوند. تعدادی هم اعتراض می‌کردند که «مردان خودشان را درست کنند چرا ما باید در خانه حبس شویم».

بحث چالش برانگیز دیگر حول مسئله کم شدن دین‌داری و رابطه آن با ماهواره بود. نظرات افراد حول این موضوع نیز متفاوت بود. برخی معتقد بودند که «زیاد شدن ماهواره باعث شده ایمان‌ها کم‌رنگ شود و در نتیجه افراد به خود اجازه بدهند به دیگران تعرض کنند». عده دیگری هم معتقد بودند فقط ماهواره در کم شدن دین‌داری تأثیر ندارد، بلکه عوامل دیگری هم هستند که خیلی تأثیر می‌گذارند» و «مردم کلاً ناامید شده‌اند و این قدر در فقر بسر می‌برند که کفر می‌گویند و اعتقاداتشان را از دست داده‌اند».

مشکلات اقتصادی از دلایل پررنگ دیگری بود که افراد روی آن توافق داشتند و به نام‌های مختلف به آن اشاره می‌کردند. (م.۳۳) اظهار داشت: «جوانان ما بیکار هستند، افسرده می‌شوند، کارشان این می‌شود که در خیابان دنبال ناموس مردم راه بیفتند». شرکت‌کننده‌ها معتقد بودند حداقل پسران محله خودشان اگر کار درست و حسابی داشته باشند، میزان خشونت در محله خیلی کم می‌شود. برخی دیگر معتقد بودند که شدت این مسئله وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینند بعضی‌های دیگر خیلی پول دارند. (م.۲۹) می‌گوید: «پسر من فوق دیپلم مدیریت دارد، تعمیرگاه موتور دارد ولی همیشه می‌گوید اگر دزد بودم و یا دلال می‌شدم بیشتر درآمد داشتم و کمتر کار می‌کردم». همگی توافق داشتند که این اختلافات در محله‌شان هست و تأثیر بسیار بدی روی جوان‌ها می‌گذارد.

اینجا بود که بحث کمبود اعتماد به نفس در زنان نیز مطرح شد، (م.۲) می‌گفت: «اگر خانم‌ها به خودشان اعتماد داشتند و می‌توانستند جواب مزاحم‌ها را بدهند این جور نمی‌شد». برخی از شرکت‌کننده‌ها نیز معتقد بودند زنان اگر با همراهی یک مرد بیرون بروند در معرض مشکل نخواهند بود، در مقابل عده‌ای هم اشاره می‌کردند که برعکس خود این مسئله می‌تواند برایشان معضل جدید ایجاد کند. (م.۱۸) در این باره اظهار می‌داشت: «اگر کسی به من متلک بگوید اول دوروبرم را نگاه می‌کنم بینم شوهرم و یا پسرهای شوهرم دوروبر نباشند، چون اونجوری که دیگر باید در خانه کتک بخورم». برخی هم اعتقاد داشتند که

دختران اگر درس بخوانند و سر کار بروند، این قدر اعتماد به نفس دارند که نه در خانه و نه در خیابان مورد خشونت قرار نمی گیرند.

بحث حمایت قانونی از جنجالی ترین بحث های این قسمت بود. برخی معتقد بودند که اگر قانون با خلاف کاران مقابله می کرد کسی جرات نمی کرد از این کارها بکند و برخی هم معتقد بودند بجای آن، قانون باید این اطمینان خاطر را به زنان بدهد تا بتوانند شکایت کنند و پیگیری کنند. تقریباً همه افراد جمع می گفتند در شرایط مشابه حاضر نیستند پیش پلیس بروند و تنها مراجعه شان در صورتی بود که دعوی را در کوچه و یا خیابان ببینند و به عنوان ناشناس زنگ بزنند به پلیس. (م. ۳۰) در این باره می گفت: «آبرویمان می رود، وارد اداره پلیس بشویم اول از ما بازجویی می کنند و انگار دزد گرفته اند. یک بار شوهرم به حد مرگ کتکم زد و همان شب راه افتادم با زن همسایه مان رفتم اداره پلیس، اولین چیزی که از من پرسید این بود که خب چه کار کردی که زدت؟ این حرفش خیلی بدتر از کتک های شوهرم بود». برخی هم این مساله را عنوان کردند که از وقتی پلیس یک خانم هم به عنوان بخش اجتماعی در مراکز دارد، اوضاع بهتر شده و بقیه را تشویق می کردند که می توانند به آنها مراجعه کنند.

مسئله مهم دیگری که مورد بحث قرار گرفت، بحث ارتباط دختران و پسران نوجوان و جوان در محله بود. مشارکت کننده ها این مسئله را به عنوان یکی از معضلات محله برمی شمردند و عنوان می کردند «قبلاً این ها جرات نداشتند از این کارها کنند ولی الان گوشه و کنار خیابان و پارک و هر جا که می روی می بینی که نشسته اند و کارهای ناشایست می کنند». عده دیگری آن را «نشانه بیکاری آنها می دانند و برخی هم نقش کم رنگ مقام های امنیتی را دلیل اصلی می شمارند».

مسئله بسیار مهم در استفاده از این تکنیک این است که با توجه به انجام گرفتن آن در گروه های کوچک تر، پس از اتمام کار یک نفر به عنوان نماینده به ارائه و تشریح درخت خود می پردازد، در این حین بحث ها به جمع بزرگ تر منتقل می شود و در واقع شاخص هایی که در گروه های کوچک تر تولید شده اند در اینجا به آزمون گذارده می شوند. در نهایت باید این شاخص ها توسط جمع و با کمک تسهیلگر مقوله بندی شوند. یعنی در واقع فرایندی که در دیگر تحقیقات و در استفاده از دیگر ابزارها توسط محقق به صورت انفرادی طی می شود (مانند مقوله بندی شاخص ها در تکنیک مصاحبه) در این روش به صورت جمعی با مشارکت همه افراد انجام می شود. به طور مثال در گروه های مختلف به معضل اقتصادی با ادبیات متفاوت اشاره شده بود؛ بیکاری، فقر، کار نکردن زنان و برای این حالت، با اجماع کامل جمعی عبارتی مانند مشکلات اقتصادی انتخاب می شود و همه عناوین مشابه ذیل آن قرار می گیرند.

در نهایت پس از طی این مسیر موارد زیر در ریشه درخت به عنوان عوامل تأثیرگذار بر خشونت خیابانی علیه زنان قرار گرفت:

- عدم حمایت قانون (پلیس) از زنان خشونت دیده
- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر
- مشکلات اقتصادی جوانان
- ازدیاد خشونت در جامعه (دیداری، شنیداری و ...)
- کمبود اعتماد به نفس در خانم ها
- رفتارهای غیر اخلاقی در مردان
- از بین رفتن ارتباطات خانوادگی (به خاطر ماهواره، تلویزیون، اینترنت و ...)
- وجود اختلافات فرهنگی و مالی در جامعه
- الگو گرفتن از فیلم ها و اتفاقات خشن در جامعه (مثل فیلم های ماهواره و اسیدپاشی)

- کم شدن ارزش‌های دینی (به خاطر مفاسد اقتصادی، بی‌پولی، ماهواره و تلویزیون، دزدی دولتی و ...)
- پارک‌های ناامن
- تربیت بد فرزندان و ارتباطات بین دختران و پسران جوان
- مشکلات جنسی در بین جوان‌ها به دلیل آموزش ندیدن در مدرسه و دانشگاه‌ها
- مشارکت‌کننده‌ها در ثمره و میوه کرم‌خورده این درخت هم مسائل مختلفی قرار دادند که همه آنها را مهم و حیاتی می‌شمردند.
- گروه‌ها پس از خواندن آنها و حذف موارد تکراری به موارد زیر اشاره کردند:
- از بین رفتن اعتماد به نفس دختران
- کار نکردن دختران جوان
- ایجاد انواع مزاحمت‌ها برای افراد
- افزایش نابرابری
- جنایت و آدم‌کشی
- ازدیاد مشکلات روانی
- افزایش اعدام
- طلاق عاطفی در خانواده‌ها
- افزایش روابط نامشروع بین زنان و مردان
- کیف‌قاپی
- دزدی
- افزایش معتادان
- افزایش بچه‌های طلاق

بخش مهم در فرآیندهای مشارکتی علاوه بر اشاره به مشکلات، تأکید بر دارایی‌های و توانایی‌های گروه است تا با تأکید بر آنها بتوانند برای ایجاد تغییر و کاستن از آسیب گام بردارند. در واقع همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از نکات کلیدی در بحث روش‌شناسی‌های «مشارکتی» این است که این روش‌شناسی تنها استفاده از ابزارهایی برای جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه «توانمندسازی» جامعه محلی را نیز به عهده دارد؛ به‌گونه‌ای که از اولین قدم تحقیق تا برنامه‌ریزی و اجرا، جامعه محلی در آن حضوری فعال دارند. توانمندسازی در کنار اعتمادسازی و به‌موازات آن، آب‌کردن یخ‌های ارتباطی به‌منظور فعال‌شدن اطلاع‌رسان‌ها، همگی اهداف موردنظر این روش‌شناسی را تشکیل می‌دهند. گام‌های بعدی در گروه، یادگیری مفاهیم مشارکت، ترویج و سپس گام برداشتن برای توانمندسازی گروه، و به‌منظور انجام اقدامات مشارکتی است که چون در چارچوب سؤالات و موضوع این تحقیق نیست به آن‌ها اشاره نمی‌شود. برخی از این اقدامات عبارت بودند از شناسایی توانمندی‌ها و دارایی‌های گروه، شناسایی حامیان، ذینفعان گروه، تعریف فعالیت جمعی برای مقابله با موضوع خشونت علیه زنان، تدوین جدول زمان‌بندی و تقسیم‌کار اولیه و

تحلیل داده‌ها

با بررسی درخت خشونت در محله که توسط بانوان تهیه شد و همچنین با توجه به مستندات پرسشگری خیابانی و مشاهدات میدانی، مواردی که به صورت علل ریشه‌ای مطرح شده و یا محل بحث و گفتگو بین افراد مشارکت‌کننده بوده از این قرار است:

۱- **وجود خلأ و نقص‌های قانونی در مورد زنان:** از جمله مواردی که مورد بحث قرار گرفت، برخورد پلیس با قربانیان خشونت بود. همه زنان متفق‌القول بودند هنگامی که مورد خشونت قرار می‌گیرند نهاد، موسسه یا ارگان حمایت‌کننده‌ای را نمی‌شناسند که آنان را مورد حمایت خود قرار دهد.

این مسئله باعث می‌شود که زنان در اکثر موارد چشم بر روی آزارها بسته و آن را با کسی در میان نگذارند. وجه دیگر این مساله برخورد قهری و ضربتی پلیس با برخی برهم زنده‌های نظم است که بیشتر باعث ایجاد رعب و وحشت می‌شود. البته برخی نیز معتقد بودند که گاهی اوقات حضور پلیس باعث می‌شود تخلف کمتر شود، ولی مسئله قابل توجه تقاضای زنان برای حمایت از قربانیان بود. جنبه دیگر این مسئله اهمیت همکاری بین نهادی در ارگان‌های مختلف و ارتباط نظام‌مند آنان با یکدیگر است که می‌تواند آنها را قدرتمندتر ساخته و کمک کند خلأهای موجود در هر ارگان مرتفع شود. آشکار است که یک نهاد، سازمان و یا ارگان به تنهایی نمی‌تواند همه جنبه‌های یک آسیب را پوشش دهد. البته این ارتباط باید درونی و عمیق باشد تا اینکه فقط جنبه ظاهری و شکلی داشته باشد.

۲- **اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر در محله:** موضوع حائز اهمیت در مورد اعتیاد این است که مکان‌هایی که به طور اختصاصی به فروش یا مصرف مواد مخدر اختصاص دارد مکان‌های ناامنی برای زنان به حساب می‌آید. چون در بیشتر موارد، با پدیده‌هایی همچون حمله‌های ناگهانی، زدو خورد و دعوا یا کیف‌قاپی همراه است. وجود این مکان‌ها در کوچه‌ها، پارک‌ها و بسیاری پارک‌های محلی حاکی از گسترش مکان‌های ناامن برای تردد زنان است. همچنین نگرانی دیگر این زنان، عادی شدن مسئله مصرف مواد مخدر برای فرزندان‌شان است که آن را فتح بابی بر انواع دیگر تخلف‌ها و آسیب‌ها می‌شمارند. گاهی اوقات، کار معتادان به دعوا، چاقوکشی و در مواردی قتل انجامیده است. افراد در این محله شاهد حضور پلیس و دستگیری ضربتی معتادان توسط آنان نیز بوده‌اند که در اکثر موارد فردای همان روز همگی آزاد شده‌اند که این مسئله به تجربه ناخوشایندی برای مردم محله تبدیل شده است. یکی دو نفر از بانوان اشاره کردند که در مواقعی که این افراد را می‌بینند به پلیس زنگ می‌زنند.

۳- **مشکلات اقتصادی:** مشکلات اقتصادی مسئله‌ای است که از جنبه‌های مختلف و با ادبیات متفاوتی وارد بحث‌ها می‌شود. برخی به بیکاری و تأثیر آن در حضور بدون دلیل مردان در محله اشاره می‌کردند و برخی آن را زمینه‌ای برای روی آوردن جوانانشان به اعتیاد می‌دانستند و برخی نیز از بی‌آینده‌گی در آینده اقتصادی فرزندانشان می‌گفتند.

برخی از بانوان هم دلایل اقتصادی را دلیل اصلی می‌دانستند که جوانان‌شان نمی‌توانند ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند، پس ترجیح می‌دهند در خیابان‌ها به دنبال رفع نیازهای‌شان بروند. از جهت دیگر این ناامنی باعث شده تا بسیاری از زنان و دختران از کار کردن در محیط بیرون از خانه منع شوند. خود زنان هم تجربه‌های ناخوشایند از کار کردن در برخی کارگاه‌ها در محله‌های مجاور را دارند، ولی در همه موارد آنان فقط محل کار را ترک کرده‌اند و از آن به بعد خانه‌نشین شده‌اند، یا به کار خانگی پرداخته‌اند.

اهمیت این مسئله زمانی بیشتر خود را بروز می‌دهد که زنان در هنگام تعریف راهکارها برای کاستن این معضل، پیشنهاد تأسیس تعاونی زنان را می‌دهند. دلیل‌شان این است که بتوانند به توانمندی اقتصادی برسند تا بهتر بتوانند بر مشکلاتشان فائق آیند و بعد حکایت یک‌دست صدا ندارد را می‌گویند و این‌گونه برنامه‌ریزی می‌کنند که در صورت موفقیت می‌توانند اعضای بیشتری را

جذب کنند. این مسئله اهمیت وجود سازمان‌های مستقل زنان را یادآوری می‌کند؛ فضایی که با زنان و برای آنها تأسیس شود و بتواند جای خالی ارگان‌های رسمی را پر کند؛ فضایی که به دور از بازی‌های سیاسی و قدرت باشد تا در طی سالیان دستخوش تغییر نگردد. نمونه‌های این مسئله البته مورد آزمون قرار گرفته در بسیاری از کشورهای جهان فعال است؛ ارگان‌های مستقل و داوطلبانه‌ای که زنان را در زمینه‌های خشونت خانگی، خشونت خیابانی، بیمارهای خاص زنان مانند سرطان پستان، امور حقوقی و قانونی، مشاوره‌های روانشناسی در حوزه فردی و خانواده و ... یاری می‌کنند.

۴- آموزش: در این سال‌ها شهرداری، خانه‌های بهداشت، بسیج، مساجد و برخی از ارگان‌های دیگر به برگزاری کلاس‌های آموزشی با موضوعات متفاوت برای ساکنان محله اقدام می‌کنند، ولی همچنان مبحث آموزش و یا عدم آموزش کافی از زمینه‌های شکل‌گیری خشونت خیابانی علیه زنان، از طرف بانوان محله شمرده می‌شود. این مسئله از یک‌جهت حاکی از این است که چون عموماً این آموزش‌ها بدون نیازسنجی انجام می‌شوند، پس در عمل زنان آن‌ها را کاربردی نمی‌شمارند و از جهت دیگر خلأ آن را در تربیت کودکانشان احساس می‌کنند. این مسئله ارتباط نزدیکی با عادی انگاشته شدن خشونت در بین کودکان و جوانان دارد که اهالی محله به آن اشاره می‌کردند.

ترس از خشونت و احساس عدم امنیت در زنان: در همه تجربه‌ها، مکان‌هایی که به کارهای مردانه مانند مکانیکی، موتورسازی، کارگاه‌ها و ... اختصاص داشتند، از جمله مکان‌های ناامن برای زنان تلقی می‌شد. تشخیص این‌که این ترس بر پایه‌ی واقعیت است یا توهم، امری ساده نیست. به‌ویژه آن‌که در زندگی شهری جداسازی محیط‌های مردانه از زنانه در هر زمینه نه میسر است نه چاره‌ساز؛ اما این امر وقتی بیشتر نمود می‌یابد که در ادامه راه، هنگامی که زنان به فکر این می‌افتند که با این معضل اجتماعی چه می‌توان کرد، راهکارهایی که به منظور تقویت اعتمادبه‌نفس آنهاست، سهم زیادی را به خود اختصاص می‌دهد. این امر نشان‌دهنده این است که آنان در عمل این سکوت را راه‌حلی برای مشکل خود نمی‌پندارند. البته این امر با مسئله حفظ آبرو برای زنان نیز گره‌خورده است. زنان در تجربه‌های‌شان اشاره می‌کردند در بیشتر موارد ترجیح می‌دهند سکوت کنند و اعتراضی نکنند. برخی این را تنها راه‌حل می‌شمارند و برخی نیز به این مسئله که اگر اعتراضی کنند آبروی‌شان می‌رود اشاره می‌کردند. این مسئله وقتی خطرناک می‌شود که اصرار زنان به حفظ آبرو در برخی موارد به جری‌تر شدن شخص مزاحم می‌انجامد، چون به او این اطمینان را می‌دهد که مورد مواخذه و در موضع پاسخگویی قرار نمی‌گیرد؛ مسئله‌ای که یکی از بانوان به‌صورت مزاحمت تلفنی به آن اشاره کرد و چون جرات بازگویی آن را برای همسر، پدر و مادر خود نداشت، مدت‌های زیادی با این مسئله دست‌به‌گریبان بود. البته در مواردی هم مشاهده شد که زمانی که دایره این خشونت‌ها در داخل خانه‌ها هم کشیده می‌شود، این مسئله بیشتر رخ می‌نماید.

۵- فضاهای شهری نامناسب: در بین تجربه‌های خشونت زنان، نقش فضاهای شهری از اهمیت زیادی برخوردار بود. زنان عموماً در کوچه‌هایی که روشنایی کمتری داشتند تردد نمی‌کردند و یا پارک‌های با شمشاد‌های بلند، برای آنها حکم فضایی غیر ایمن را داشت. قرار گرفتن پل‌های عابر پیاده در مکان‌های خلوت و همچنین پوشانده شدن مسیر این پل‌ها با تبلیغات شهری، باعث شده بود در بسیاری از ساعت‌ها مورد استفاده آنان قرار نگیرد. لزوم توجه به امنیت زنان در برنامه‌ریزی شهری و یا توجه به نظرات زنان از طریق مشارکت‌شان در این امر می‌تواند به بهسازی بیشتر این فضاها بینجامد. البته امروزه در شهرهای مختلف دنیا، شاهد این هستیم که به‌سازی فضاهای شهری با استفاده از روش‌های مشارکتی باعث به وجود آمدن تجربه‌های موفق شده است که وجود فضاهای شهری ایمن‌تر را تضمین می‌کنند و از جنسیتی شدن فضا می‌کاهند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یکی از اهداف استفاده از روش‌های مشارکتی، کمک به بهبود مسئله و ایجاد تغییر است. در همین راستا این سلسله کارگاه‌ها با بانوان محلی ادامه یافت. نکته مهمی که می‌خواهم به آن اشاره کنم ارائه راه‌حل‌های بانوان برای کاستن از معضل آسیب‌های خیابانی است. مسائلی مانند پوشش بانوان، ماهواره، بی‌اعتقادی، مشکلات زناشویی و ... از موارد مورد بحث بین گروه‌ها در زمان ترسیم درخت مشکلات بود. ولی در زمان ارائه راه‌حل‌ها، زنان عموماً به‌سوی تعریف کارهایی در جهت توانمندسازی اقتصادی (به‌صورت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک محلی)، کاستن از میزان اعتیاد در محله از طریق انتشار بروشور و یا دعوت به حضور ^{12}NA در محله و یا برگزاری جلساتی جمعی با کلانتری محله در جهت حمایت بیشتر از زنان، نوشتن طوماری به مجلس برای در نظر گرفتن قوانین حمایتی و ... معطوف شد. این مساله از یک‌طرف نشانگر تأثیر تبلیغات محیطی و تربیتی و همچنین سایه عظیم کلیشه‌های جنسیتی بر سر زندگی زنان است که آنها عموماً حتی زمانی که مورد خشونت هم قرار می‌گیرند به دنبال ریشه‌یابی آن در خودشان هستند و از طرف دیگر نشانگر این است که حل این مشکل را به‌صورت فردی در عمل امکان‌پذیر نمی‌دانند و به دنبال راه‌حل‌های جمعی می‌گردند.

نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی نکته‌های فوق می‌توان دریافت که همه عوامل تأثیرگذار ذکر شده، به‌نوعی در رسته ساختاری و کلان می‌گنجد و حتی وقتی عواملی مانند کمبود اعتمادبه‌نفس در زنان عنوان می‌شود، خود مشارکت‌کننده‌ها آن را جمع می‌زنند و دلیل آن را عدم حضور کافی در اجتماع (از طریق ممانعت از تحصیل و یا کار و ...) می‌شمارند. عوامل اقتصادی و معضل اعتیاد دو موردی هستند که مدام در بحث‌ها تکرار شده و البته مطالعات قبلی در منطقه را تأیید می‌کنند و نشانگر تأثیر این عوامل بر جزء جزء زندگی مشارکت‌کننده‌ها است. البته مطالعات نشان می‌دهد که این روزها مسئله اعتیاد تبدیل به یک معضل ملی شده است که ریشه‌های به وجود آمدن و به‌تبع درمان آن را نیز باید در سطح کلان جست. وقتی فراوانی یک آسیب مانند آزار خیابانی تا این حد زیاد است و زمانی که تغییر شکل آن به‌صورت خشونت‌عریان‌تر است، پس بی‌شک نمی‌توان عوامل آن را در سطح افراد و یا حتی خانواده‌ها جست، کما اینکه خود این دو نیز متأثر از قانون‌گذاری‌ها و آموزش‌هایی هستند که جزء موارد ریشه‌ای به آن‌ها اشاره شد.

چالش‌ها و درس‌آموخته‌ها

چالش‌های این پژوهش را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخشی که چالش‌های عمومی روش‌شناسی‌های مشارکتی هستند و بخش دیگر چالش‌هایی که مربوط به این تحقیق است و می‌تواند در ادامه راه محقق و همچنین برای بهبود پژوهش‌های مشابه به کار آید. در مورد بخش اول به دلیل مبسوط بودن آن، تنها به موارد مهم‌تر پرداخته و به‌صورت مختصر نیز به چالش‌های این تحقیق اشاره می‌شود:

۱. چالش‌های عمومی تحقیقات مشارکتی معطوف به عمل

- زمان در انجام تحقیقات مشارکتی امری مهم و حیاتی است. روشن است که اختصاص زمان مناسب به این نوع پژوهش‌ها باعث می‌شود تمامی زوایای امر آشکار شود و گام‌های درست‌تر و بهتری در جهت رفع مشکلات برداشته شود.

- مشکلات برای تأمین مالی تیم تسهیلگر و یا کمک به اجرایی شدن پروژه‌های کوچک محلی.

- انجام فعالیت‌های مشارکتی نیاز به گروه تسهیلگری آموزش‌دیده و داوطلبانه دارد. با توجه به اینکه آموزش مدون دانشگاهی و یا غیردانشگاهی در زمینه‌ی روش تحقیق مشارکتی وجود ندارد، دسترسی به این افراد از جمله نقاط دشوار این‌گونه فعالیت‌ها بوده و البته انجام فعالیت‌های داوطلبانه نیز زوایای دشوار خود را داراست.

- همان‌طور که قبلاً اشاره شد، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های روش‌های مشارکتی، ایجاد تغییر توسط جامعه محلی برای رفع و یا کاستن از یک معضل اجتماعی است. در کشور ما با توجه به تداخل زیاد وظایف ارگان‌ها و سازمان‌ها، گاه تشخیص ارگان‌های حامی و یا جلب همکاری آنها با موانع زیادی روبروست، ضمن اینکه به خاطر اینکه مؤسسه‌های غیردولتی، یا محققان غیر وابسته، آزادی عمل بسیار محدودی برای انجام پژوهش، در سطح جامعه دارند، ممکن است از پیشرفت کار آنان نیز با توجیه قانونی ممانعت به عمل آید.

۲. چالش‌های این تحقیق

- حضور مداوم و حتی طولانی‌مدت محقق در محله مورد پژوهش، در دوره انجام تحقیق باعث اعتماد بیشتر جامعه محلی و همچنین آشنایی بیشتر محقق با فضای مورد پژوهش می‌شود که در این تحقیق به دلیل محدودیت زمانی، مالی و ... این امکان میسر نبود.

- در تحقیقات مبتنی بر جنسیت، پیش بردن کار مشارکتی با حضور مردان و زنان نتیجه بهتر و واقعی‌تری خواهد داشت که در این تحقیق به دلیل عدم حضور مداوم محقق، ساعت کاری مردان در محله، نیاز به طراحی جلسات جداگانه برای مردان و ... این امر میسر نشد. در طول کار نیز بانوان محله بارها به این مسئله اذعان داشتند که حضور مردان و شنیدن صحبت‌های آنان هم می‌تواند برای کاستن این معضل مؤثر باشد.

- نبود پیشینه تحقیق کافی در زمینه‌ی تحقیقات مشارکتی و عدم توجه سرفصل‌های دانشگاهی به روش‌های کیفی - مشارکتی از جمله معضلات بسیار مهم در انجام این‌گونه تحقیقات است. تعداد تحقیقات دانشگاهی (در رشته‌های علوم اجتماعی) انجام شده با استفاده از این روش‌شناسی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. این در حالی است که امروزه در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا، این روش به‌صورت سرفصل دانشگاهی تدریس شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به زمان‌گیر بودن این نوع تحقیقات، محقق برای تدوین این گزارش مجبور به ترجمه بسیاری تجارب و حتی مفاهیم روشی شده است که البته امیدواریم با ترجمه بیشتر این آثار در آینده توسط اساتید و دانشجویان به زبان فارسی از میزان این مشکل برای تحقیقات آتی کاسته شود.

- یکی از مواردی که در این نوع تحقیقات مد نظر است، مبسوط بودن و تفصیلی بودن گزارشات است که می‌تواند اطلاعات بیشتری را از جامعه هدف و یا زوایای مسئله مورد بررسی در اختیار خوانندگان قرار دهد. تاکید بر ایجاد در نشریات علمی و پژوهشی کشور و نادیده گرفتن تفاوت این نوع تحقیقات، از دیگر مشکلاتی است که انتشار این نوع تحقیقات را با مشکل مواجه می‌سازد.

تصویر شماره ۱: یکی از نقشه‌های خشونت تهیه شده توسط مشارکت کنندگان



منابع

- آفاجانی، کامران. ۱۳۸۱، بررسی پدیده همسرآزاری در تهران، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد سوم، ۳۹-۵۱.
- ابادزی، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ حمیدی، نفیسه. ۱۳۸۷، احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ششم، شماره ۱، ۷۵-۱۰۳.
- ایمان، محمدتقی؛ یوسفی، الهام، حسین زاده، مرتضی. ۱۳۹۰، زنان، مزاحمت و واکنش؛ بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن‌ها، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۳، ۹۳-۶۳.
- ابوت، پاملا و کلر والاس. ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- اعزازی، شهلا. ۱۳۸۳، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۸۴-۴۷.
- بمانیان، رضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام. ۱۳۸۷، امنیت تردد زنان در فضاهای شهری و سنجش مشارکت آنان در بخش مرکزی شهر تهران، مجله علمی-پژوهشی تحقیقات زنان، زمستان سال دوم، شماره چهارم.
- پيله رود ثمودی، فاطمه؛ آفاجانی، حسین. ۱۳۹۲، بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت نمادین پسران علیه دختران با تکیه بر مزاحمت‌های خیابانی (منطقه صادقیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جواهری، جلوه؛ مظفری، کاوه. ۱۳۹۱، کاهش خطرپذیری بانوان، به سفارش امور بانوان شهرداری منطقه ۱۵.
- حیدری چروده، مجید. ۱۳۸۹، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره دوم، ۷۹-۵۵.
- ذکائی، محمد سعید. ۱۳۸۴، مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف، تهران: آرشیو سازمان ملی جوانان.
- زنجانی زاده، هما؛ اعزازی، شهلا. ۱۳۸۱، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳۴، ۴۱-۳۲.
- سازمان جهانی بهداشت، خشونت علیه زنان، مترجمان: شهرام رفیعی، سعید پارسی نیا، انجمن بهداشت، آموزش و ارتقاء سلامت خانواده، تهران: چاپ دلارنگ.
- ساعی ارسى، ایرج؛ نیک نژاد، زهرا. ۱۳۸۹، تحلیل جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان، فصلنامه علوم رفتاری، بهار ۱۳۸۹، دوره ۲، شماره ۳، ۹۷-۱۲۱.
- علیرضا نژاد، سهیلا؛ سرایی، حسن. ۱۳۸۶، زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، بهار ۱۳۸۶، شماره ۱۵۰، ۳۰-۱۲۳.

- فروغان، مهشید. ۱۳۸۰، بررسی خشونت در خانواده‌ها، کیهان، سال شصت، شماره ۱۷۹۲۵.
- کار، مهرانگیز. ۱۳۸۷، پژوهشی درباره‌ی خشونت علیه زنان در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- لقمانی، انسیه. ۱۳۸۷، اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی منطقه ۱۵ از نظر شهروندان، به سفارش معاونت امور فرهنگی اجتماعی شهرداری منطقه ۱۵ تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ یوسفی نژاد، الهام. ۱۳۸۹، رابطه بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز، نشریه جامعه‌شناسی، تابستان ۱۳۸۹، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۴۳-۱۲۹.
- محمدی، بیوک. ۱۳۸۴، نگرش دختران جوان به امنیت اجتماعی- روانی، تهران: آرشیو سازمان ملی جوانان.
- مدیری، آتوسا. ۱۳۸۵، جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲: ۲۸-۱۱.
- یزدخواستی، بهجت؛ شیری، حامد. ۱۳۸۷، نشریه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، زمستان ۱۳۸۷، دوره ششم، شماره ۳، ۷۹-۵۵.
- Barnez, R. Jessica. (2006), **A Walk in the Park: Gendered Perceptions of Fear in Oz Park**, Chicago. University of Wisconsin.
- Bowman, C. G. (1993). "Street harassment and the informal ghettoization of women", *Harvard Law Review*, Vol. 106, No.
- Fran Baum, Colin MacDougall, and Danielle Smith, v. 60(10); 2006 Oct: Articles from *Journal of Epidemiology and Community Health* are provided here courtesy of BMJ Group.
- Fairchild Kimberly, A. Rudman, Laurie, (2008), **Everyday Stranger Harassment and Womens Objectification**, *Soc Jus Rec*, 338-357.
- Frisby, Wendy, et al. (2005). **Putting the "Participatory" in Participatory Forms of Action Research**. *Journal of Sports Management*; 19:367-386.
- JAGORI. (2010a), **Safe City Free of Violence against Women and Girls Initiative: A Collaboration of the Department of Women and Child Development, Delhi Government, JAGORI, UNIFEM and UN HABITAT**. July 8, 2010.
- JAGORI. (2010b), **Understanding Women's Safety: Towards a Gender Inclusive City: research findings**, DELHI. 2009-10.
- Kissling, E. (1991). **Street harassment: the language of sexual terrorism**, *Discourse & Society*, Vol. (4), 451-460.
- Maguire, P. (1987). **Doing participatory research: A feminist approach**. Amherst, MA: The centre for International Education, University of Massachusetts, USA.
- L.Parish W., O. Laumann, E. & Das, A. 2006, **Sexual harassment of Women in Urban China**, *Arch sex behaves*, 411-425.
- Reid, C. J. (2004). **Advancing women's social justice agendas: A feminist action research framework**. *International Journal of Qualitative Methods*, 3(3). Article 1.
- **Third International Conference on women's safety: building inclusive cities**, New Delhi, INDIA 22 - 24 November, 2010.